سلب توفیق حضور معصوم در عید فطر و قربان، مفاد روایت «لا وفقتم لفطر و لا اضحی»

شاگرد۲: آلآن فرمودید دامنه موافقیت امت اسلامیه است. خب اگر به این گستردگی مورد نظر شارع بوده، حداقل باید امت اسلامی به این سمت پیش رفته باشند، درحالیکه میبینیم امت اسلامی به خلاف آن پیش رفتهاند. یعنی ماه رمضان آنها مختلف است، حتی عید قربان آنها مختلف میشود، حتی در روایت حضرت فرمودند مشکلی نیست، شما میتوانید عید قربان را مختلف بگیرید.

استاد: «لاوفقتم[1]» نفرینی ملک است. اینکه ما ابتدا علو و رسیی بودن یک تقنین را تشخیص بدهیم یک چیز است، اما اینکه ما در درک علو آن و پیادهکردن آن نقص و عجز داشتیم، چیز دیگری است. باید اینها را از هم جدا کنیم. چون ما نتوانستیم بگوییم آن هم نیست! این راه درستی نیست. ما اول باید روی منابع اصلیه متمرکز بشویم و نظام تقنین شارع را درک بکنیم، بعد بگوییم حالا چرا نشده است.

شاگرد۲: شارع در خیلی از مقاصد اصلیه خود موفق است... .

استاد: آن نشدنش هم چیزهایی دارد. اصل اینکه شارع در بلاد اسلامیه با امکاناتی که در آن زمان بوده و ارتباطاتی که بوده، موفق شده ای نشده بحث است. اینکه میفرمایید «لاوفقتم لفطر و اضحی» یعنی بهصورت ظاهر هم نخواستند؟! پس چرا سیره متشرعه بین الفریقین بر این است که تعظیم میکنند و نماز عید میخوانند؟! ارتکازا هم از این کار بدشان نمیآید. به نظرم مرحوم مجلسی هم در بحارالانوار[2] فرمودند و نکته خوبی هم هست. «لاوفقتم لفطر» یعنی امت اسلامیه در محضر حجت خدا و نور مطلق باشند. عید این است. عید این است که حجت خدا باشد و رهبر شما باشد. «لاوفقتم لفطر» که خدا میپسندد. آن فطر زمانی است که آن حجت الهی، آن دردانه الهی برای شما باشد و در ذیل وجود مبارک او فطر و اضحی داشته باشید. مرحوم مجلسی این را در بحارالانوار فرمودهاند. یعنی آن روایت خودش محاملی دارد. یعنی از نظر ضوابط نجومی وقتهایی میشود که صاف است که شروع ماه حالا است و ختم آن هم فلان وقت است. شاید امسال هم به این صورت بود. شروع ماه و ختم آن شبههانگیز نبود. بگوییم نه، روایت فرموده «لاوفقتم لفطر و لا اضحی»! امروز هم خلاف است! آیا روایت میخواهد این را بگوید؟! مرحوم مجلسی همین را بحث کردهاند؛ یعنی وقت هایی که اینچنین میشود باید روایت را چطور معنا کنیم.

خود شارع مقدس در آن مقام ها و مقطع های بین راه هم موفق بوده است. اگر وارد این بشویم از بحث میمانیم. و الا قبول نیست که شما بگویید روال امت اسلامی به این طرف بوده است. چون منابع و اصل مطلب غامض است اینگونه میشود. پارسال برای اینکه به کره نظم بدهیم، چقدر دقائقی از خط زمان و ساعتها مطرح شد! از همین اندازه آدم میفهمد که ثبوت مطلب، خیلی غامض است. وقتی بشر این غموض را میفهمد با عینک جدیدی به منابع شرعیه نگاه میکند. چرا؟ میگوید کسانی که علمشان علم الهی است، در بستری که این قدر غامض است دارند حرف میزنند. لذا عینک، عینک جدیدی میشود. غیر از عینک ساده قبلی است که هنوز غموض اصل ثبوتی بحث را نمیدانیم، بدون اینکه غموض را تصور کرده باشیم میگوییم این روایت این را میگوید و روایت دیگری آن را میگوید لذا معارض هستند و این را کنار میگذاریم. شارع هم برای ما سخت نگرفته است. اما شارع حرف خود را زده است. حرف خود را زده تا وقتی که این بحثها چکش بخورد مقصود او روشن باشد. یعنی ببینید که شارع برای همه اینها مطلب دارد.

---

[1] الشيخ حر العاملي، وسائل الشيعة - ط الإسلامية، ج7،ص213؛ «عن محمد بن إسماعيل الرازي، عن أبي جعفر الثاني عليه السلام قال: قلت له: ما تقول في الصوم فإنه قد روي أنهم ال يوفقون لصوم، فقال: اما انه قد أجيبت دعوة المملك فيهم، قال: فقلت: وكيف ذلك جعلت فداك؟ قال: إن الناس لما قتلوا الحسين عليه السلام أمر الله تبارك وتعالى ملكا يناديأيتها الأمة الظالمة القاتلة عترة نبيها ال وفقكم الله لصوم وال فطر».

[2] العلامه مجلسي، بحار الأنوار - ط مؤسسةالوفاء؛ «بيان : عدم توفيقهم للفطر والأضحى إما لاشتباه الهلال في كثير من الأزمان في هذين الشهرين كما فهمه الأكثر أو لأنهم لعدم ظهور أئمة الحق وعدم استيلائهمال يوفقون للصلاتين إما كاملة أو مطلقا بناء على اشتراط الإمام أو يخص الحكم بالعامة كما هو الظاهر والأخير عندي أظهر والله يعلم».

بازبینی #1
ایجاد شده 14 مه 2026 14:51:09 توسط ... .
به روزرسانی شده 14 مه 2026 14:51:45 توسط ... .